

وزیر کار باید چگونه باشد؟



حجت میرزایی

استاد دانشگاه علامه
و کارشناس اقتصادی

به نظر من، وزارت کار در دوران گذشته، ماموریت‌های اصلی را به شکلی باورنکردنی به فراموشی سپرد و دست به اقداماتی زد که نسبت به آن اقدامات روی زمین مانده ارجحیت داشت. در چند سال گذشته دیگر خاطر هیچ‌یک از مسئولان در وزارت کار نمانده بود که این باید حتماً، ملجا و بناهی برای حمایت از حقوق کارگران، بازنشستگان، زنان سرپرست خانوار و کودکان کار باشد. افراد آسیب‌پذیر مذکور، همگی مخاطبان اصلی این وزارتخانه هستند.

مسئولیت‌های وزارت کار، شامل دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌های حکمرانی، سیاست‌گذاری و تصدی‌گری است که باید همه و همه در وزارت کار وجود داشته باشند. به نظر می‌رسد این وزارتخانه، یک شرایط کاملاً منحصر به فرد و متفاوت از دیگر وزارتخانه‌ها دارد چرا که زندگی و معاش بخش بسیار زیادی از جامعه به همین وزارتخانه و عملکرد آن بستگی دارد. انباشت ذخایر صندوق‌های بازنشستگی، برای توانمندسازی بازنشستگان، آموزش و ایجاد فرصت‌های جدید برای اشتغال جوانان جویای کار در ادامه، اداره مناسب بنگاه‌های اقتصادی، جزو نقش‌های بی‌بدلیل این وزارتخانه بسیار مهم است؛ بنابراین اینکه چه کسی ناخدای کشتی وزارت کار شود، برای همه دلسوزان مردم اهمیت دارد. به نظر می‌رسد که احمد میدری، یکی از بهترین گزینه‌های ممکن برای این وزارتخانه بود چرا که در ابتدای امر، وزیر این بخش باید حتماً یک نگاه استراتژیک به مقوله رفاه به عنوان یک مفهوم پوشش‌دهنده و فرگیر داشته باشد.

دوم اینکه وزیر انتخابی این بخش لازم است که حتماً در سطح کلان اقتصادی نگاه ویژه‌ای به مسائل داشته و صاحب اندیشه و ایده باشد.

سوم اینکه وزیر جدید با توجه به مشکلات هر روزه اقصای ضعیف کشور، باید تعلق ویژه به حمایت از گروه‌های بی‌صدا، مانند کارگران و بازنشستگان داشته باشد. در بطن این وزارتخانه، علاوه بر کارگران و بازنشستگان، گروه‌های بسیار آسیب‌پذیر مانند زنان سرپرست خانوار، توانگران و کودکان کار نیز حضور دارند. بنابراین آنچه در دولت پزشکیان به عنوان حمایت از این گروه‌ها بر شمرده شد، همگی در همین وزارتخانه معنا می‌یابد و همین گروه‌ها هستند که در ذیل گروه‌های اصلی نیازمند حمایت قرار می‌گیرند.

مقاومت وزیر فعلی این وزارتخانه در برابر افزایش حقوق کارگران آن هم به بهانه پیشگیری از تورم، یک خطای استراتژیک و ناشی از ناآشنایی او با ماموریت اصلی این وزارتخانه بود. وزارت کار باید بتواند رفاه اقشار فرودست را تأمین کند؛ یعنی به جز رویکرد استراتژیک، دانش سیاست‌گذاری هم داشته باشد. همچنین مهم است که این فرد، توانایی مدیریت بسیار بالایی داشته باشد تا بتواند همزمان سه وزارتخانه ادغام‌شده در وزارت کار را مدیریت کند. این ماموریت از آن جایی حائز اهمیت است که سرمایه اجتماعی دولت در جامعه را حفظ می‌کند و نگرانی‌های جامعه در چشم‌انداز سیاست‌گذاری را کاهش می‌دهد. همچنین این گونه است که می‌توان یک فضای آرام و بی‌تنش بین کارگر و کارفرما ایجاد کرد. همچنین وزیر جدید در وزارتخانه کار، تعاون و رفاه باید فضای درست کسب و کار در بخش تعاون ایجاد کند. از این منظر، ویژگی‌های این وزارتخانه با باقی وزارتخانه‌های دیگر تفاوت اساسی دارد؛

ضمن اینکه وزیر جدید باید آن چنان از نظر تئوری قوی باشد که بتواند قدرت متقاعدسازی بقیه وزیران و همکاران دولتی خود را داشته باشد و قدرت چانه‌زنی در وزارتخانه افزایش یابد. یعنی اگر جایی دولت باید بین نابرابری کمتر و رشد بیشتر دست به تصمیم‌گیری بزند، این وزیر باید بداند که قرار است در کدام سمت ایستادگی کند یا بین کاهش نگرانی و رنج مردم و مسائل دیگر مردم باید انتخاب درستی داشته باشد. این وزارتخانه باید قدرت چانه‌زنی داشته باشد و یک وزیر ضعیف در وزارت کار نمی‌تواند از حقوق کارگران یا زنان دفاع کند. یک وزیر ضعیف، بدون دانش و اعتماد به نفس نه‌تنها خودش بازنده است بلکه بخش زیادی از بی‌صدایان را در بخش بازنده قرار می‌دهد. یک وزیر ضعیف به معنای بی‌ثباتی سیاسی‌های اجتماعی و سیاسی مکرر و حضور مستمر بازنشستگان معترض در کف خیابان است. وزیر ضعیف، کودکان کار را بی‌پناه تر از قبل می‌کند و دیگر هیچ سرپناهی برای آنان وجود ندارد. به همین دلایل است که به نظر من احمد میدری، گزینه پیشنهادی دولت چهاردهم، بهترین فرد برای تکیه به سکانداری وزارت کار در دولت چهاردهم است.



چالش‌های وزارت کار با نگاهی به برنامه احمد میدری

ماموریت کاهش فقر و افزایش دستمزد



مریم رحیمی

خبرنگار اقتصادی

تقریباً هیچ وزارتخانه‌ای به اندازه وزارت کار با زندگی و معیشت مردم گره نخورده است. روز یکشنبه ۲۱ مرداد، احمد میدری به‌عنوان سکاندار پیشنهادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم، معرفی شد. او کارشناس اقتصادی، با گرایش نهادگرایی است و پیش از این نماینده مردم آبادان در مجلس ششم بود و در دولت حسن روحانی، معاون رفاه اجتماعی وزارت کار شد. در صورتی که نمایندگان مجلس، به او رای اعتماد دهند، میدری، جانشین سیدصورت مرتضوی، وزیر کار و رفاه اجتماعی دولت سیزدهم می‌شود. یک برنامه رسمی که توسط احمدی میدری تدوین شده و به دست گروه اقتصاد روزنامه هم‌پهن رسیده است، نشان می‌دهد تمرکز وزارتخانه در دوران سکانداری میدری بر عدالت خواهد بود. بنا بر نقشه احتمالی وزارت کار، عدالت در توزیع منابع بانکی، عدالت مالیاتی، عدالت در پرداخت حقوق شاغلان و بازنشستگان، عدالت اقتصادی و بهبود توزیع درآمد، عدالت و حمایت هدفمند از خانواده معظم شهدا و ایثارگران، پیشرفت عدالت‌محور روستاها، برقراری عدالت آموزشی، عدالت تربیتی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی در مناطق آزاد، از جمله موارد مورد تأکید میدری در وزارتخانه است.

راهکارهای وزارت کار

در اینجا، چند مشکل که مسئول حل آن وزارت کار بوده است بیان می‌شود و سپس، نگاهی به راهکارهای وزیر پیشنهادی دولت چهاردهم خواهیم داشت. با توجه به برنامه میدری برای وزارت کار، یکی از مشکلات این وزارتخانه، افزایش فزاینده فقر و نابرابری است. راهکار میدری برای فائق آمدن به این مسئله، تهیه پیوست عدالت و تأمین اجتماعی برای لویج و طرح‌ها، در مرکز توانمندسازی حکومت و جامعه‌مبانی و شیوه‌های آن تهیه شده است. از منظر میدری، تصمیم‌گیری غیرکارشناسی و مبتنی بر شواهد پراکنده به سبب فقدان بانک اطلاعات جامع از بازار کار، نظام بودجه‌ریزی و واحدهای اقتصادی یکی از مشکلات وزارت کار است. برنامه او برای حل این مسائل هم ایجاد و تکمیل بانک اطلاعات جامع بازار کار، ایجاد و تکمیل بانک اطلاعات جامع نظام بودجه‌ریزی و ایجاد و تکمیل بانک اطلاعات جامع واحدهای اقتصادی است.

داده‌باز نبودن، نقص و تأخیر در انتشارات آزاد آمار و اطلاعات وزارت کار یکی دیگر از علت‌های ناکارآمدی در این وزارتخانه است. طبق برنامه‌ای که میدری ارائه داده، فراهم آوردن دسترسی آزاد پژوهشگران به آمار و اطلاعات برای تقویت همکاری‌های بین نهاد دولت، دانشگاه و مؤسسات

پژوهشی غیردولتی و همچنین تعمیم الگوی تولید و انتشار اطلس رفاه ایرانیان در تمام زیرمجموعه‌های وزارتخانه به صورت مستمر راهکار حل این مسئله است.

همچنین، عدم ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های حوزه تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای بهینه‌سازی و رفع نواقص از جمله دیگر گلوگاه‌های این وزارتخانه است. میدری راه حل این گلوگاه را در طراحی چارچوب واحد و استانداردهای ارزیابی سیاست تقویت همکاری دولت-جامعه برای استفاده از ظرفیت نهادها و تشکل‌های علمی و مردمی در اجرای ارزیابی سیاست‌ها می‌داند.

یکی دیگر از ضعف‌های این وزارتخانه نیز، مشارکت اقتصادی پایین خصوصاً مشارکت زنان در عرصه کسب و کار و وجود بیش از ۵/۷ میلیون جوانان ۱۵-۲۹ ساله غیرشاغل و غیرمحصّل بوده است. تهیه مقررات و سازوکارهای اجرایی برنامه اشتغال بانوان با رعایت نقش زن در خانواده و تصویب «برنامه ملی رشد مهارت‌های رقومی کشور» و تحول رقومی (دیجیتال) کشور راهکار حل آن است.

رویکردهایی برای وزارت کار

نظام حکمرانی در ایران بیش از چهار دهه هم و غم خود را صرف مبارزه پیگیر با فقر و رفع اختلاف طبقاتی کرده ولی هر چه زمان گذشته، ابعاد شکاف میان قشر فرودست و قشر ثروتمند، بزرگ‌تر شد و دامنه اجتماعی تبعات این معضل، اعتبار و عده‌های دولتی در این باره را بیش از پیش در محل سوال قرار داد. اقتصاددانان موسوم به جریان نهادگرا و بازار آزاد، یکصدا معتقدند که شانه خالی کردن دولت در بزنگاه‌ها و همچنین دخالت این نهاد بزرگ در هر آنچه که به آن مربوط نمی‌شود، فرمول اصلی افزایش فقر در اقتصاد ایران بوده است. این گزارش که در نگاشتن آن از راهنمایی‌ها و مشورت فاطمه عزیزخانی، کارشناس ارشد گروه اقتصاد کلان مرکز پژوهش‌های مجلس کمک گرفته شده، سعی دارد به نقطه‌های تاریک و روشن در وزارت کار بپردازد و راهکارهایی که احمد میدری در پیش روی خود دارد را بررسی کند.

وزارت کار چندین وظیفه دارد که برخی مربوط به اشتغال و برخی دیگر درباره روابط کار است. همچنین می‌تواند برای انجام مسئولیت خود در قبال این وظایف، دورویکرد توسعه‌ای و حمایتی را اخذ کند. این دورویکرد، باهم متفاوت هستند؛ مثلاً رویکرد توسعه‌ای در مسیر رشد اقتصادی است و رویکرد حمایتی به معنای تأمین منبع مالی برای گروه‌های مختلف و به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر اقتصاد است. مثلاً ایجاد اشتغال عمومی از همین دست است. در دنیا دولت‌ها مشاغلی را برای سرکار رفتن قشر آسیب‌پذیر به وجود می‌آورند که می‌دانند درآمدش برای فرد آسیب‌پذیر، به حد کافی نیست اما برای اینکه امورات این افراد بگذرد، چنین شغل‌هایی ایجاد می‌شود. پس وزیر کار باید ابتدا بداند که در کدام بخش از این راهکارها و نگاه‌ها قرار دارد. قصد دارد که با فقر مبارزه کند یا اینکه اشتغال‌زایی را افزایش دهد. به خصوص اکنون که شرایط معیشت مردم،

وزیر
پیشنهادی

شرایط خوبی نیست.

راهبردها چگونه انجام شوند؟

ابتدا باید گروه‌های هدف برای پیاده‌سازی هر برنامه مشخص شود؛ مثلاً دولت باید از خود سوال کند که قرار است برای کدام جوانان کار ایجاد شود؟ آیا این افراد، جوانان در قشر تحصیل کرده هستند تا از مهاجرت نخبگان جلوگیری شود یا جامعه هدف زنان هستند تا میزان اشتغال زنان در بازار کار ایران افزایش یابد. بعد هم متناسب با همان هدف، سیاست‌گذاری کند. اگر هدف اشتغال زنان است، باید متناسب با زندگی زنان تمهیدات آن هم آماده شود. لازم است که ابتدا گروه هدف را مشخص کرد چرا که سیاست‌گذاری برای هر گروه محدودیت‌ها، امتیازها و راهکارهای خود را دارد. مثلاً برای اشتغال زنان باید مقدماتی مانند نگهداری از فرزند را نیز تدارک دید زیرا یکی از مسئولیت‌های زنان در خانواده ایرانی، نگهداری از فرزندان است. اینکه از زنان انتظار داشت بدون تمهیدات ویژه بازار کار شوند درست نیست چرا که منجر می‌شود هم کارفرماها تمایل کمتری به جذب کارگر زن نشان دهند و هم اینکه خود زنان به دلیل مشکلات دیگر، قید اشتغال را بزنند.

بخشی از اشتغال‌زایی به کمک بنگاه‌ها رخ می‌دهد. یعنی پرداخت تسهیلات و حمایت‌های مالی از بنگاه‌ها باید در دستور کار قرار بگیرد. اگر گروه‌های هدف معلوم شود راحت‌تر می‌توان سیاست‌گذاری کرد؛ زمانی که سیاست‌گذار درصد اشتغال‌زایی برای جوانان تحصیل کرده است، باید بتواند این گروه را بشناسد و متناسب با نیازهای آنان اشتغال‌زایی کند. سیاست‌گذار باید بداند که تسهیلات حمایتی را به کجا و چگونه پرداخت می‌کند. اکنون سیستم این گونه است که تنها تزریق منابع و پول پاشی انجام می‌شود اما نتیجه آن مشخص نیست. لازم است که طرف تقاضا و عرضه را در بازار شناخت و با یکدیگر لینک کرد؛ مثلاً صنعت و دانشگاه برای اشتغال گروه جوانان تحصیل کرده باید با یکدیگر در ارتباط باشند.

همچنین اشتغال‌زایی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیران هم مشکلات و مسائل خود را دارد. اگر قرار است که اشتغال‌زایی مختص به فرودستان باشد، باید سیاست‌های حمایتی و رفاهی متناسب را تدارک دید. این‌ها همه چالش‌هایی است که اقتصاد کشور در حوزه اشتغال به آن‌ها مبتلا شده است و باید به این چالش‌ها احاطه داشت و براساس شناخت از این چالش‌ها، تصمیم‌گیری کرد. اگر فردی بخواهد همه مشکلات را باهم حل کند، حتی یکی از مشکلات حل نمی‌شود؛ زیرا نمی‌توان به یکباره برای اقتصاد، معجزه کرد. ایران در حال حاضر آن چنان مشکلات زیرساختی دارد که نمی‌توان در چهار سال و از یک وزیر انتظار معجزه داشت.

انتظارات کارشناسان از وزیر

وزیر آینده باید با موضوع حوزه کار و با چالش‌های آن آشنا باشد تا کم‌کم مسائل را حل کند. برای برنامه‌ریزی در